

به نام خدا

سروشز قامت

رضا بختیاری کیان

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: بختیاری کیان، رضا، ۱۳۵۹-

عنوان و نام پدید آور: سرو سبز قامت / شاعر رضا بختیاری کیان.

مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۲۰۷ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۸۷۰-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی

رده بندی کنگره: LB۱۰۵۲

رده بندی دیویی: ۳۷۰/۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۶۲۲۲۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: سرو سبز قامت

شاعر: رضا بختیاری کیان

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

چاپ: زیر جلد

قیمت: ۱۸۷۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۸۷۰-۴

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران
Chaponashr.ir

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۴	سرو سبز قامت
۱۷	شب شکن
۱۸	بلور روشن احساس
۲۱	چکاوک و ماه
۲۴	خانه روح
۲۵	گل شب بهار
۲۷	امیدوار باشیم
۲۸	تداوم غدیر
۲۹	شب آشنا
۳۰	همنشین کرم های خاکی
۳۱	رونق ستاره
۳۴	ظهر تاریک
۳۶	سرو سرخ سر بلند
۳۹	وحشت شب
۴۰	کوچه شب
۴۲	تو را دارم
۴۴	بهار رویش
۴۶	چکاوک

- ۴۹ وقت هنر
- ۵۰ خواهد آمد
- ۵۲ برسد به دست سرو
- ۵۴ زمزمه شجاعت
- ۵۶ صدایم کن
- ۵۷ یاوری دیرین
- ۵۸ فریاد از تو باد
- ۶۱ جمله های سرمازده
- ۶۲ دل شب زده
- ۶۴ تنهایی وحشی
- ۶۶ خبر طوقی
- ۶۹ تشت منافقان
- ۷۰ کجاست آتش؟
- ۷۳ ستون آسمانم
- ۷۵ خورشید خوبان
- ۷۷ دولت خورشید پناه
- ۷۸ آیینه باش
- ۸۰ شب میلاد چکاوک
- ۸۲ خدای بی گسون
- ۸۳ شب بی فروغ
- ۸۵ کوکب هدایت
- ۸۷ ارتعاش باد

۸۸ سکوت، تماشا و تمسخر
۸۹ قلب‌ها دستِ تمنای تو را دارند سرو
۹۱ خانهٔ پروانگان
۹۳ خورشید عالم تاب
۹۵ طوفان شکن
۹۸ سَرّو بی نشان
۹۹ جهان بی تو
۱۰۱ باغ سُرّخ سیب
۱۰۲ عقیق سُرّخ غصه
۱۰۴ ز مرگ آهسته تر زدم سخن گو
۱۰۵ میان گرگ و باران
۱۰۷ کوی جانفشانان
۱۱۰ مهر تو
۱۱۲ بیهوده بازیگاه
۱۱۳ چشم‌های میشی تو
۱۱۵ قفس بشکن
۱۱۶ آلالهٔ غریب
۱۲۱ بی تو
۱۲۴ تقدیر ناتمام
۱۲۵ موئنم که موئنم رود
۱۳۰ باران و شب
۱۳۲ نوای شب زده

- ۱۳۴ دلِ زَمَنَد
- ۱۳۶ فردا خواهد آمد
- ۱۳۸ آواز خورشید
- ۱۴۰ فردا
- ۱۴۱ برادر
- ۱۴۴ تقدیم تو
- ۱۴۵ تلاقی نگاه و آئینه
- ۱۴۸ آزارِ دلی که در وی آزار نبود
- ۱۵۰ شکن حرف ترانه
- ۱۵۱ ماه و دختر شب
- ۱۵۶ کاش!
- ۱۵۷ بر آستان جانان
- ۱۵۹ غریب
- ۱۶۰ سالها پیش
- ۱۶۴ سرآغاز و پایان
- ۱۶۵ از خاطر مبر
- ۱۶۶ خستگی هزار راه نرفته
- ۱۶۷ در گریز لحظه درماندگی
- ۱۶۹ چه شد؟
- ۱۷۰ آفتو پاک
- ۱۷۲ یلدای پیر
- ۱۷۴ این سرو قدان

- ۱۷۶ دل لاله
- ۱۷۸ سرو راست قامت
- ۱۸۰ بوی صفا
- ۱۸۱ بالش فراموشی
- ۱۸۲ ایستاده ام به تماشای تو
- ۱۸۳ اینجا چه می کنی؟؟!!
- ۱۸۷ خدایا
- ۱۸۸ نارون تنها
- ۱۹۱ گمشده در گمشدن
- ۱۹۲ فصل زرد یأس
- ۱۹۴ شمع زیر آب
- ۱۹۷ باران بیار
- ۱۹۹ دوزخ سرما
- ۲۰۱ سرو تماشایی
- ۲۰۳ بابونه بهاری (پیغامبر رویش)
- ۲۰۵ شهزاده غریب
- ۲۰۶ ز رَ ب گویِ جهان بین جوی
- ۲۰۷ تک گویه ها

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

هست کلید در گنج حکیم

اینک که به لطف پرودگار نخستین دفتر شعر من با نام سرو سبز قامت به زیور طبع آراسته گردیده است؛ جا دارد اندکی درباره این دفتر با شما سخن بگویم. ملت ایران یکی از کهن‌ترین و ریشه‌دارترین ملل جهان است که خورشید این مردم از شرق گیتی برخاسته و شعاع تابش این ملت، سراسر زمین را در برگرفته است. شعر و ادب جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ ملت ایران از گذشته‌های دور تا عصر حاضر است. ملتی دارای پیوستگی فرهنگی از هزاران سال پیش تا به امروز. ملتی آزاد که همواره در تهاجم بیگانگان چون کوه استوار در برابر طوفان ایستاده و اکنون نیز در شرایط حاضر جهانی با زیاده‌خواهی بیگانگان و دشمنان خود رو در رو است.

ادب پارسی به‌عنوان سلاحی موثر در دفاع از هویت مردم و ملت ایران، سال‌ها در دست شاعران و نویسندگان بزرگی همچون حکیم ابوالقاسم فردوسی، حکیم نظامی گنجوی، حکیم ناصر خسرو قبادیانی و ... بوده است. دفتری که پیش رو دارید در دامنه قلّه‌های ادب پارسی، سنگریزه‌ای است که نگاه به قلّه دارد و در سایه قلّه به خود می‌بالد که گرچه کوچک است و خرد؛ لیکن هرچه باشد از دامن این قلّه عظیم است. من خود نام "شعر سیمرغ" بر سبک دل‌نوشته‌های خود می‌نهم و از این که آنرا شعر نیمایی، شعر نو، شعر سپید، شعر هجایی، یا هر عنوان مصطلح دیگر که بر اساس قالب‌بندی ظاهری اشعار صورت می‌پذیرد؛ پرهیز می‌کنم. در این اشعار شباهت به شعر کلاسیک، شعر نیمایی و شعر سپید به چشم می‌آید اما این شعر در حقیقت هیچ کدام از آنها نیست.

شاعر سبک سیمرغ، به شعور شعر احترام می‌گذارد و عنان قلم را به دست کلمات می‌سپرد؛ او اجازه می‌دهد شعر، قالب خود را انتخاب کند. او اجازه می‌دهد شعر، خود انتخاب کند چه کسوتی بر تن کند و احساسات شاعر را در کنار افکار و عقاید او به خواننده انتقال دهد. اصل در این شعر معناست. ظاهر شعر سیمرغ، گاه به سوی هجایی شدن می‌رود، گاه از هجا می‌رمد، گاه در هجا زبان گفتار بر می‌گزیند و گاه در زبان گفتار به نظم در می‌آید.

اما شاعر در عین حال، اجازه نمی‌دهد کلام از دایره‌ی دارای معنی خارج گردد و به بیهوده‌سراییی برسد. اصلی‌ترین مفاهیم در شعر سیمرغ موضوعات مهدویت، انتظار، وطن‌دوستی، بیان احساسات و آرزوها، جهان‌بینی شاعر، دعوت به دوستی، پرهیز از آزار، حمله به ارزش‌های کاذب، عشق، حمله به ریا، نفاق و دو‌رویی، دعوت به یکرنگی، و شکایت از احوال روزگار و مذمت رذائل اخلاقی‌بالاتر در اخلاق اجتماعی است. به‌طور خلاصه می‌توان شعر سیمرغ را گونه‌ی جدیدی از شعر مقاومت معرفی کرد که محوریت آن با تفکر شیعی است. مهدویت شعار و پرچم تفکر شیعی است که در شعر سیمرغ بعنوان تنها راهی و نجات‌بخش بشر از آلام خود معرفی می‌شود. شعر سیمرغ به دعوت از جامعه برای ایستادن در جبهه حق و عدالت و به مقاومت پیش از شروع نبردهای رو در رو و آشکار جبهه حق و باطل می‌پردازد. گرچه سایر مفاهیم اخلاقی و تاریخی نیز به حوزه شعر سیمرغ راه دارند. شاعر شعر سیمرغ منتظر شروع تهاجم بیگانگان نمی‌ماند تا به سرایش شعر برای تهییج و تحریک ملت برای پایداری و ایستادگی در برابر سلطه خارجی بپردازد. شاعر شعر سیمرغ، خواننده خود را به دانایی و تفکر فرا می‌خواند. شاعر شعر سیمرغ، دانایی را رمز پیروزی می‌داند و به جامعه معرفی می‌کند. او ترویج قدرت‌نمایی و توان‌بازدارندگی از تهاجم بیگانه را بر تهییج ملت به پایداری در نبرد تن به تن علیه تهاجم بیگانه ترجیح می‌دهد. شاعر شعر سیمرغ ترویج فرهنگ اخلاقی را از اصول موفقیت یک جامعه در برابر دشمنان

تاریخی خود دانسته، جامعه را به رعایت اصول اخلاقی فرا می‌خواند. شاعر شعر سیمرغ عقیده دارد ریاکاران سربازان داخلی دشمن بیگانه هستند که با تضعیف مبانی اعتقادی یک ملت سعی در از بین بردن و یا کم‌رنگ نمودن آنها داشته تا در زمان رویارویی مستقیم با دشمن از صفوف مدافعان ملت با تشکیک و تردیدی که در جان آنها بواسطه رفتار ریاکاران انداخته شده است کاسته شود.

شعر سیمرغ بر خلاف شعر پایداری یا شعر مقاومت که در حین تهاجم عناصر بیگانه و دشمن خارجی به یک ملت به بیان حماسه ایستادگی آنان در برابر تهاجم بیگانه یا تشویق یک ملت به برخاستن و پایداری در برابر تهاجم دشمن می‌پردازد، یا بعد از اتمام تهاجم بیگانه به شرح دلآوری و ایستادگی یک قوم در برابر تهاجم خارجی برای حفظ هویت و موجودیت خود می‌پردازد؛ شعر سیمرغ به آماده سازی فکری یک ملت قبل از تهاجم دشمن برای حفظ و حراست از میراث، هویت و ارزش‌های خود می‌پردازد. شعر سیمرغ دست پیش را می‌گیرد تا ملتی با پیش دستی دست دشمنان خود را خوانده، مانع از نیل آنان به اهداف شوم و نیات جاه طلبانه‌شان گردد. شعر سیمرغ می‌تواند حتی یک ناز آوا مانند لالایی باشد؛ لالایی که بشر را از خواب بیدار می‌کند و به آرامش حقیقی که آرامش حاصل از دانستن است می‌رساند. دانستن و علم عامل یقظه و بیداری است و ملتی که به بیداری نرسد هرگز در نبرد برای حفظ موجودیت خود نخواهد جنگید؛ زیرا او سر بر بالش نرمی از جنس جهالت دارد.

شعر سیمرغ با تشبیه دنیای بدون دولت مهدوی(عج) به جنگلی سرد، تنها راه نجات را رسیدن به کوی وحدت یعنی رساندن و رسیدن بشریت به اینکه جز مهدی(عج) راه نجاتی ندارد، معرفی می‌کند و بر این تفکر خود اصرار و پافشاری می‌کند.

شعر سیمرغ، "انسان کامل" را محور کلام خود می‌داند و انسان کامل، امروز کسی نیست جز حضرت ولیعصر(عج). اوست خرد کامل، اوست کانون گرمی

بخش جان آزادی خواهان و مستضعفان عالم و هم اوست آن که حریر سیاه شب را با سنان صیقل خورده صبح خواهد درید.

سیمرغ بیش از آنکه یک سبک بر اساس شیوه بیان باشد به معنا تکیه دارد؛ که نماد و رمز پردازی یکی از ویژگی های بارز در این سبک معنایی است. گاه این نماد، آغریث آن شاهزاده جوانمرد تورانی است، گاه هوشنگ آن شاه پیشدادی است. اما "سرو" اصلی ترین نماد در سبک شعر سیمرغ است و آن نمادی است که به شهدا و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام مانند حضرت سیدالشهدا(ع) و نجات بخش ملت ها و رهایی بخش مستضعفان عالم از ستم ستمگران، قطب عالم وجود و امکان حضرت ولیعصر(عج) اختصاص داده شده است.

شعر سیمرغ از آرایه های ادبی خالی نیست و ضمن اصرار بر روانی کلام و پرهیز از تکلف، وجود عناصر و صنایع ادبی در آن ملموس است.

دفتری که پیش رو دارید حاصل پنج سال دل گویندگی های شاعر شامل سالهای ۱۳۹۷ تا پاییز ۱۴۰۲ بوده، یکی از ویژگی های این دفتر وجود بیش از یکصد تعبیر، عبارت، اصطلاح و ترکیبات مختلف ابداعی مانند: کوی وحدت، سرخی خون ستاره، کهن تقویم نور، گل شب بهار، مسیر سبز باران، کلک شب شکن، غم تنهایی از دحام، دیولاخ وحشت پوش، گنبد غماز، گزیده رندان، سنگ صولت شب، یادگار هوشنگ، سرو سربدار، بیهوده بازیگاه سرد صنوبر سوز، بی ثمر سایه، شعله نام، مرد نام، یم دنیا، رنگ دورنگی، دیوان سراپرده، آتش آرای و ... است. از اینکه با مطالعه این دفتر به نخستین معنایی که به ذهن شما متبادر می گردد بسنده نمی کنید و پس از مطالعه برای دومین بار سعی در یافتن معنایی و رای معنای ظاهری می کنید؛ سپاسگزارم. البته در این دفتر در پایان برخی اشعار این موضوع را که شعر را به چه کسی اهدا گردیده است به صراحت اعلام نموده ام. با این وجود، تأمل و تعمق در عبارات، تعبیرات، واژگان و ترکیبات این دفتر باعث دریافت های کاملتری از این دفتر خواهد شد.

و اینکه چرا نام "شعر سیمرغ" برای نامیدن سبک شعری که خود را ادبیاتی پیش از ادب پایداری می‌داند برگزیده شده است به این علت است که سیمرغ در فرهنگ ایرانی نماد خرد و دانایی است و تنها همین عنصر خرد و دانایی جمعی در یک ملت است که تهاجم سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و هویتی دشمن را که پیش نیازهای تهاجم سخت و نبرد مستقیم نظامی در عصر آخرالزمانی حاضر هستند را با شکست مواجه ساخته با ابرنمودن راهکار دشمن، مانع از رسیدن او به آخرین مرحله از راهبرد خود یعنی مرحله سخت نظامی می‌شود. شعر سیمرغ را می‌توان عمل به منویات مقام معظم رهبری حفظه الله در خصوص جهاد تبیین نیز معرفی نمود؛ آن‌جا که فرمود: «بصیرت، قطب نماست» و شعر سیمرغ که شعری بصیرت‌زاست با نشان دادن راه از بی‌راه، نقشی مهم در رسالت جهاد تبیین و شفاف‌سازی مرزبندی‌های آخرالزمانی خواهد داشت.

در پایان ضمن تقدیم این اثر به محضر شریف قطب عالم وجود و امکان حضرت بقیة الله الاعظم روحی فدا، مراتب امتنان و قدردانی خود را از همسر سرکار خانم شهلا حسینی برای بررسی و تصحیح اشتباهات، اعلام می‌دارم. از خداوند مَنان ترقیّات عالیّه ملت رشید ایران را تحت عنایات حضرت ولیعصر(عج) مسئلت می‌نمایم.

رضا - بختیاری کیان

آذرماه ۱۴۰۲ - مسجد سلیمان

سرو سبز قامت

شَبِ سِیَاهِ عَمْرَم

گویا سحر ندارد

"خورشیدِ صَبْحِ سُرْخَم"

تابش دگر ندارد

آهِ دَلِ پُرِ دَرْدَم

سَرْدِی دگر ندارد

دَر "کویِ وَحْدَتِ" اَمَّا

صَبْرَم قَرَار دارد

چَشْمَم نِگَار دارد

با تو کنارِ قَبْرَم

مِهْرِ اَفْسَرِی ندارد